وجه دیگر در آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»

دیروز از بحث آیه «لتکملوا العده» سراغ روایات عدد رفتیم که مرحوم طبرسی فرموده بودند. در آخر جلسه آقا وجه را فرمودند. که در آیه شریفه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» مرجع ضمیر ماه بر میگردد. آن چه را که آیه ناطق است این است که هر کسی شهد الشهر، کل ماه را روزه بگیرد. «وَمَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» غیر از شهر. کل شهر را روزه بگیرد، هر ک نتوانست کل شهر را روزه بگیرد کل شهر را در وقت دیگری از سال بگیرد. مفاد آیه این است. پس کسی که بخشی از ماه را نگرفت آیه از او ساکت است. «من شهد منکم الشهر فلیصمه و من کان فی الشهر کله مریضا» چون دارد میگوید «فلیصمه»، «او علی سفر فی الشهر کله و لم یصم الشهر فعدة من ایام اخر».

شاگرد: چه دلیلی بر این اختصاص هست؟ چه ثمره ای دارد؟

شاگرد۲: یعنی میخواهد بگوید اگر بخشی از شهر را مریض شد کل ماه را ...؟

استاد: میگویند ساکت است.

شاگرد۲: مریض است، یعنی کل ماه مریض است؟

استاد: بله.

شاگرد: «فعدة من ایام اخر» به آن نمی خورد. خب میگوییم به آن تعداد بگیرد نه به «عدة من ایام اخر».

استاد: «یصمه» دارد. آن جا بود «ایام معدودات». بنابر اینکه نسخ نباشد، «ایام معدودات» میشود «ثلاثون من شهر رمضان». پس «ایام معدودات» را آیه قبلی داشت. بنابر عدم نسخ که قول مشهور است. حال «فمن شهد منکم الشهر» یعنی آن ایام معدودات، «فلیصمه»؛ یعنی آن شهر را که ایام معدودات است. «و من کان مریضا او علی سفر»، نه آن ایام معدوداتی که «یصمه». اگر این نشد «فعدة من ایام اخر». شمارهای غیر از آن ایام معدودات است.

شاگرد: بر فرض آیه به این صورت باشد، ثم ماذا؟

شاگرد۲: در «تکملوا العده» گفته بودند اگر یک روز روزه نگرفته بود باید همان یک روز را جبران کند، با این بیان دیگر «لتکملوا العده» ...نمیشود.

شاگرد: یعنی تنها موردی را شامل میشود که کلاً ماه را نگرفته است.

استاد: «ولتکملوا العدة» به چه معنا است؟ یعنی کل ماه را نگرفته‌ای. «فعدة من ایام اخر» تا آن ایام معدودات و عده کل ماه را کامل کنی.

شاگرد: آن وقت اکمال چه معنایی پیدا می‌کند؟

استاد: اکمال شبیه «اتموا الحج و العمرة» می‌شود. اکمال به‌معنای اعمال است.

شاگرد۲: خلاف ظاهر است. ارتکاز عرفی از مریضی این نیست که احکامی داریم که برای دفعات است. وقتی مریض شدی همه آن‌ها بود ولو در چند دفعه مریض شدی.

شاگرد: منظور این است که یک ماه مریض شدی.

استاد: چیزی که من عرض کردم این بود که آیه ساکت است از مواردی‌که کثرة ابتلائش بیش از مفاد آیه است. یعنی کثرة ابتلاء در مرض و سفر، این است که دو-سه روز می‌رود. شما سفرهای کل مردم در ماه مبارک را ببینید. ببینید چند مورد است که کل ماه را مسافر هستند و کسانی که یکی-دو روز می‌روند. شما می‌گویید آیه از این اکثر ساکت است.

شاگرد: ایشان می‌تواند جواب بدهد که وقتی سفر می‌کردند به این راحتی نمی رسیدند.

استاد: جوابش این است که اساس تشریع نماز قصر که برای مسافر است، برای سفرهای شغل یومی است؛ «من ذهب برید، جاء برید فقد شغل یومه». یعنی اطراف مدینه با جاهایی که هشت فرسخ می‌شد، فراوان این سفرها صورت می‌گرفت. اطراف مدینه قرای بسیار زیادی داشت. خیبر کجا بود؟ اتفاقا فاصله اش زیاد بود. بین خیبر تا مدینه قرای بسیاری بود. این جور نبود که مسافرتهای آن زمان یک ماه بشود. این احتمالی بود که ایشان مطرح کردند.

بازبینی #1
ایجاد شده 21 آوریل 2026 13:53:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 13:56:20 توسط ... .